

معرفی چهاراثر مهم در حوزه حریم خصوصی

درس نظریه‌های انسان‌شناسی

دوره‌ی دکتری

مهدیه محمدی

در خصوص آثار مکتوبی كه در حوزه حريم خصوصي مطرح است مي‌توان به «حقوق حريم خصوصي» از باقر انصاري (انتشارات سمت) اشاره كرد كه اولين كتاب مدون در حوزه حريم خصوصي در كشور بود. پس از آن «حقوق فناوري اطلاعات» از محمدرضا اصلاني و «حريم خصوصي اطلاعات» از فريد محسني كتاب‌هاي ديگري هستند كه با موضوع حريم خصوصي در اين زمينه منتشر شده‌اند.

بررسي «مسئوليت مدني ناشي از ارتباطات الكترونيكي» از دكتر علي صادقي در كنار رساله دوره دكتري با عنوان‌ «مسئوليت مدني ناشي از نقض حريم خصوصي در حوزه ارتباطات» از دكتر حسين جاور، دو موضوع تلفيقي با موضوع حريم خصوصي و مسئوليت مدني است كه هركدام به بخشي از ابعاد حريم خصوصي پرداخته است.

«مسئوليت مدني ناشي از نقض حريم خصوصي» نيز پايان‌نامه‌اي در دوره كارشناسي ارشد است كه توسط نگين وطن‌دوست در سال 88 در دانشگاه تهران دفاع شده و به صورت كلي به موضوع مسئوليت مدني در اين حوزه پرداخته و بيشتر كليات آن را مطرح كرده است.

مسئوليت مدني ناشی از نقض حریم خصوصی در خانواده نیز پایان نامه دوره کارشناسی ارشد است که توسط شاهرخ صالحی کرهرودی در دانشگاه مفید قم و در سال 91 دفاع شده است و به موضوع نقض حقوقی نقض حریم خصوصی در خانواده و قاعده لاضرر و مسئولیت مدنی اشاره می کند.

در حیطه علوم اجتماعی نیز، کتاب فضاهای عمومی و خصوصی شهر از دکتر علی مدنی پور یکی از کتاب های جامع است.

**\*حقوق حریم خصوصی(خرداد 94-انتشارات سمت)**

این کتاب یکی از کتاب های اصلی در رابطه با حریم خصوصی است. نویسنده این کتاب دکتر باقر انصاری از اساتید حقوق است که چند سالی است به طور جدی بر روی ابعاد حقوقی حریم خصوصی کار می کند. او در این کتاب به موضوعاتی از جمله تعریف و ابعاد حریم خصوصی، تعریف کنفرانس نروژ، تعریف کمیته یانگر انگلستان، تعریف کمیته کلکوت انگستان،نسبیت حریم خصوصی، عوامل موثر بر حریم خصوصی عمومی یا خصوصی بودن مکان نقض حریم خصوصی عادی یا حساس بودن موضوع حریم خصوصی، استفاده احتمالی از اطلاعات حاصل از نقض حریم خصوصی و وسایل و روشهای نقض حریم خصوصی اشاره می کند. كتـاب از ســه بخـش تنظــيم شــده اسـت. در بخــش نخـست، مفهــوم حــريم خصوصي، مبنا و ماهيت حق حريم خصوصي، حريم خصوصي در اسناد بين المللي و حمايت از حريم خصوصي در اسلام مطالعه شـده اسـت . در بخـش دوم، حمايـت از حريم خصوصي در كشورهاي مختلف جهان و ايران مورد مطالعه تطبيقي قرار گرفته و در بخش سوم نيز مقوله هاي مهم حريم خصوصي در قالب حريم خلوت و تنهايي، حريم جسماني، حريم خصوصي متقاضيان استخدام و كا ركنان و مـستخدمان، حـريم خــصوصي در فعاليتهــاي رســانهاي، حــريم اطلاعــات شخــصي و حــريم ارتباطــات

خصوصي تبيين شده است.

او همچنین می گوید: علاوه بر تحولات نظري، نقش تحـولات علمـي و فنـي نيـز در اهميـت يـافتن حريم خصوصي بسيار چشمگير بوده است . تحولات علمي و فني سبب شده است بـه دست آوردن، ضبط و نگهداري حجم انبوهي از اطلاعات خصوصي افراد به آسـاني و با روشهاي مختلف پنهاني و آشكار ممكن شـود. بـهطـوري كـه اكنـون بـسياري از دستگاههاي دولتي و متصديان مشاغل خصوصي نظير شركتها، بانكهـا و فروشـگاهها به دلايل متعـدد و بـا اسـتفاده از وسـايلي نظيـر تلويزيونهـاي مـداربـسته و دوربينهـاي ويدئويي، بر اعمال و رفتار و گفتـار كاركنـان و اربـاب رجـوع و مـصرف كننـدگان، نظارتهاي سمعي و بصري دارند. اين نگرانـي وجـود دارد كـه آ نهـا از اطلاعـاتي كـه خواسته يا ناخواسته جمعآوري ميكنند سوءاستفاده كنند و بهويژه آن اطلاعات را به ضرر افرادي كه اطلاعات به آنها مربوط ميشود به كار برندص2.»

در قسمت دیگری از این کتاب با توجـه بـه تهديـدهاي فزاينـده اي كـه از جانـب افـراد عـادي جامعـه، بخـش خصوصي و دولت عليـه حـريم خـصوصي وجـود د ارد ضـرورت حمايـت از حـريم خصوصي بيش از پيش احساس مي شود. هدف از اين حمايت عمدتاً عبارت است از دفاع از آزادي و استقلال فردي و آبرو و حيثيت افراد.

از يكسو حريم خصوصي ميتواند مانع از آن شـود كـه اطلاعـات راجـع بـه زندگي خصوصي، به وسيلهاي براي در هم شكستن آزادي و استقلال انـسانها، سـلطه يافتن بر آنها و استفاده ابزاري از آنها تبديل شود . با توجه به اينكه افـراد جامعـه نوعـاً اموري را خصوصي قلمداد مي كنند كه نقطه ضعف آنها محسوب مي شود يا با آبـرو و حيثيتشان در ارتباط است اگر از اين حـريم حمايـت نـشود سـبب مـي شـود برخـي درصدد برآيند بـا دسـتيابي بـه ايـن اطلاعـات، فـرد يـا افـرادي را كـه بـا افـشاي ايـن اطلاعات، آبرو و حيثيتشان در خطر مـي افتـد تهديـد كننـد و از آنهـا بـراي بـرآورده ساختن اميال و خواستههاي خود استفاده كنند . در اعلامية جهاني حقوق بشر و ميثـاق بينالمللي حقوق مدني و سياسي، حمايت از ح ق حريم خصوصي و عـدم لطمـه زدن به آبرو و حيثيت افراد، در يك مادة واحد و ملازم با يكديگر ذكر شده اند. دليل ايـن امر آن است كه در بسياري از موارد، افشاي امور خصوصي افراد، آبرو و حيثيت آنها را به مخـاطره مـيانـدازد. انـسانها غالبـاً عيبهـا و خطاهـاي خـود را از ديگـران پن هـان

مـيكننـد. در بـسياري از مـوارد چـون ايـن خطاهـا در خلـوت و دور از انظـار واقـع ميشوند (والا اصولاً خصوصي تلقي نمي شوند) و غالباً بـا امـور عمـومي و اجتمـاعي ارتباط ندارند انسانها مستحق هستند تا آنها را از اشخاص ديگـر پنهـان دارنـد. جامعـه نيز غالباً نفع مشروعي در دانس تن عيبها و لغزشهاي افراد خود نـدارد . آنگـاه كـه «يـوم

رسد خداونـد بـر كتمـان و افـشاي خطاهـاي مردمـان تـصميم خواهـد 1 تبلي السرائر» گرفت. بنابراين، مادام كه ضرورت مبرم اجتماعي ايجـاب نكنـد بايـد از افـشاي امـور خصوصي و مكتوم افراد امتناع شود و حقوق حريم خـصوصي درصـدد اسـت چنـين هدفي را برآورده سازد. **\*حریم خصوصی و حمایت ازآن در حقوق اسلامی، تطبیقی و ایران (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 66، زمستان 1383)**

این مقاله یکی دیگر از آثار بسیار مهم باقر انصاری در رابطه با حریم خصوصی است.نویسنده در این مقاله معتقد است: حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام های حقوقی توسعه یافته است.حق بر حریم خصوصی در زمره مهم ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. هدف آن تعالی شخصیت انسان و به دیگر سخن تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان است.حریم خصوصی با استقلا و آزادی انسان ها و حق بر تعیین سرنوست برای خود ارتباط وثیق دارد.زیرا فضای لازم برای رشد و تکامل شخصی افراد را فراهم ساخته و از ابزار شدن انسان ها جلوگیری می کند .به انسان ها امکان می دهد تا اهداف و غایات خصوصی خود را تعقیب کنند و عرصه ای برای ابراز احساسات و عواطف درونی خود داشته باشد.همچنین حریم خصوصی یکی از اصول سازمان بخش جامعه مدنی است که امکان شکوفایی انجمن ها و تشکلات خصوصی را فراهم می سازد.لزوم حمایت از حریم خصوصی و عدم مداخله در امور خصوصی دیگران یکی از آموزه های مهم اسلام نیز می باشد.در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تاکید شده است.سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است.البته اصطلاح حریم خصوصی نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده است و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح تحویل گرایانه است. یعنی حریم خصوصی در قالب احاله به حقوق و آزادی های دیگر نظیر حق مالکیت حق آزادی از تجسس حق بر خورداری از اصل برائت حق غیر قابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد خمایت واقع شده است.نویسنده بر این باور است که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام های حقوقی است و مقوله هایی مختلف این حق با مبانی مستحکمی مورد حماییت قرار گرفته است با وجود این متاسفانه نه در نظام حقوقی ایران و نه در نظام حقوقی سایر کشورهای مسلمان در تدوین قوانین و مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی اهمیت این حق چنانکه باید درک نشده و حمایت های لازم از آن صورت نگرفته است.

**\*نظم عمومی در حقوق خصوصی**

(1341- انتشارات کتابخانه ابن سینا)

همچنین کتاب نظم عمومی در حقوق خصوصی از دکتر عبدالغنی احمدی واستانی یکی دیگر از کتابهای خوب این حیطه به شمار می رود که بیشتر به تطبیق حقوق ایران و کشورهای اروپایی در حوزه حقوق خصوصی می پردازد.فصل اول این کتاب به ماهیت حقوقی نظم عمومی اختصاص دارد. نویسنده در این کتاب به بحث تطبیقی، در حقوق انگلستان، آلمان، شوروی و همچنین مبانی نظم عمومی، اختلاف عقاید راج به ماهیت نظم عمومی، نفی و اثبات مفهوم نظم عمومی می پردازد.

در فصل دوم کتاب، نویسنده به منا بع مدون نظم عمومی می پردازد ومی گوید: به نظر برخی، مفهوم نظم عمومی یکی از مفاهیم اختصاصی حقوق خصوصی است ولی به عقیده عده ای دیگر، نظم عمومی مخصوص یک رشته از حقوق نیست بلکه در تمام رشته های حقوقی اعم از عمومی و خصوصی وجود دارد.(ص79) او همجنین نظم عمومی را در دو قسم نظم عمومی داخلی و بین المللی بررسی می کند و می گوید:« نظم عمومی دو قسم است: نظم عمومی داخلی راجع است به داخل قلمرو یک کشور که قوانین آن کشور در حدود مزبور لازم الرعایا می باشند و قضات داخلی موظفند آنها را اجرا کنند و افراد هم در نقض آنها مجاز نیستند. ولی نظم عمومی بین اللمی از اجرای هر قانون خارجی مخالف با قانون محل جلوگیری می کند.به عبارت دیگر نظم عمومی داخلی ناظر بر روابط بین فرد و حاکمیت دولت، لکن نظم عمومی بیت اللملی ناظر بر رابطه میان دو حاکمیت و دو قانون است(ص82)

نویسنده در فصل چهارم به تاثیر اخلاق حسنه در حقوق خصوصی و در نظم عمومی می پردازد. نظم عمومی و اراده فردی در حقوق داخلی و بین المللی یکی دیگر از مباحثی است که نویسنده در فصل پنجم به آن می پردازد. همچنین نویسنده می گوید: حقوق ایران اصل ازادی اراده را هم در حقوق داخلی و هم در حقوق بین الملل خصوصی پذیرفته است.

در حقوق داخلی: مطابق ماده 10 قانون مدنی: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کردع اند درصورتیکه مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است(ص155)

او همچنین در فصل شش از این کتاب به مصادیق نظم عمومی در حقوق خصوصی پرداخته و مکاتب موجود در این رابطه را برمی شمرد و با اشاره به نظریه قانونی:می گوید: به موجب این نظریه که بر مکتب اصالت فرد مبتنی است هر چه که صراحتا وسیله قانون امر یا نهی شده باشد، مجاز است. بنا براین، اعمالی که در متون قانونی بخ صراحه به صورت اوامر یا نواهی، ممنوع گردیده، نا مشروع تلقی خواهند شد.

**\*فضاهاي عمومي و خصوصي شهر**

این کتاب، نوشته ي دكتر علي مدني پور و ترجمه ي دكتر فرشاد نوريان، تهران، شركت پردازش و برنامه ريزي شهري، ۱۳۸۷ است. در مقدمه این کتاب آمده است:« تفكيك محيط زندگي به عرصه هاي خصوصي و عمومي از مؤلفه هاي كليدي است كه چگونه اجتماع خود را سازماندهي كنيم. اين تقسيم بندي از قديمي ترين سكونتگاهها تا كلانشهر هاي كنوني، قابل مشاهده بوده است .با اينكه تقسيم بندي ساده است ولي طيف وسيعي را در بر مي گيرد كه دامنه اي از خصوصي ترين تا عمومي ترين عرصه هاي جامعه و فضاي شهري، است.. بنابر اين تفكيك فضا و اجتماع به عرصه هاي عمومي و خصوصي بر حالت روحي افراد تأثير مي گذارد، به رفتاري وي نظم مي بخشد و ساختاري با دوام بر جوامع بشري و فضاهايي كه اين جوامع را در اختيار خود ميگيرند، مي افزايد.

بنابراين طبيعت و رابطه بين فضاهاي خصوصي و عمومي شهر و معناي اجتماعي و رواني اين فضاها موضوع اصلي كتاباست. اهميت ويژه اي كه كتاب داراي آن است پرداختن به عرصه هاي خصوصي و عمومي به صورت توأمان مي باشد. خصوصي و عمومي مفاهيمي هستند كه تنها در ارتباط با يكديگر و در مجاورت هم جنبه ي معقولانه مي يابند، زيرا مفاهيمي هستند كه به طور متقابل وابسته به يكديگرند»

نویسنده در فصل یک به فضاي شخصي بدن می پردازد و می گوید:«توجه اصلي به بدن يعني به فضاي باطني و فردي و نيز فضاي كالبدي و رواني دارد. اين فصل از كتاب مباحث متناظري را كه درباره ي رابطه بين خود و ديگران مطرح است، بيا مي كند. به عنوان مثال در نظر دكارت ذهن غير كالبدي است و تمايز واقعي با بدن دارد. بسياري از صاحب نظران اين دو گانگي را زير سؤال برده اند كه از جمله ي آنها مي توان به فرويد اشاره كرد. نظريه هاي فرويد كه ريشه در آرمانگرايي آلماني و تفكرات نيچه دارد امكان نقد روانشناسانه ي فرد را فراهم مي آورد.

او همچنین به بررسي طبيعت و ابعاد فضاي شخصي و نقشي كه در شكل گيري عرصه هاي خصوصي و عمومي ايفا مي كند، مي پردازدو می گوید: فضاي دروني بدن (كه با پوست مرتبط است) با فضاي شخصي بسيار مرتبط است و قلمرو وحريم او ، به عنوان عنصر ضروري آن مه يك محافظ نامريي وقابل حمل را براي فرد فراهم كرده و ابعاد حريم خصوصي را مشخص و ميزان رهايي از تجاوزات وتعارضات را مشخص مي كند.اهميت فضاي شخصي اين است كه نه تنها يك قلمرو فردي بلكه بخشي از فضاي گروهي را معنا مي بخشد و فقط در زمينه ي رويارويي هاي اجتماعي و نه به عنوان يك قلمرو مطلق شكل مي گيرد. ” فضاي شخصي عرصه اي ديناميك و دائما در حال تغيير است كه متكامل شده و بر اساس او ضاع و احوال و موقعيتي كه فرد خود را در آنها مي يابد، قبض و بسط مي يابد” (ص۵۵)

فصل دوم با موضوع فضای انحصاری ملک به فضاي قابل رويت و ساكن عرصه ي خصوصي يعني ملك خصوصي می پردازد. در این فصل امده است:ملك شخصي در واقع موجوديتي نهادينه شده و حقوقي است كه ابعاد شخصي و غير شخصي را در هم تركيب مي كند. در ابتداي فصل تعريفي از عرصه خصوصي و فضاي خصوصي ارائه مي شود و سپس حقوق مرتبط با حريم خصوصي از ديدگاه هاي مختلف مورد بررسي قرار مي گيرد به عنوان مثال بر اساس ماده ي ۱۲ بيانيه ي جهاني حقوق بشر ” به هيچ وجه نبايد دخالت ناموجه در حريم خصوصي، زندگي، خانه يا ارتباطات فرد يا زير پا گذاشتن حرمت و عابروي وي صورت گيرد. هر فرد حق دارد كه عليه اينگونه دخالت ها يا تجاوزها تحت حمايت قانون قرار گيرد ” (ص۶۲). در اينجا اهميت ملك خصوصي و عرصه ي خصوصي و حفاظت از آنها از ديدگاه رويكردهاي مختلف نظري، مورد بررسي قرار مي گيرد. به عنوان مثال جان لاك به مالكيت به عنوان حق طبيعي نگاه كرده و معتقد بود كه مالكيت حقي است كه وراي قراردادهاي اجتماعي مطرح بوده و نمي تواند در معرض چانه زني قرار گيرد.

فضاي صميمي خانه،عنوان فصل سوم است در این فصل امده است:«خانه به عنوان يك نماد ذهني و همينطور تجلي عيني قلمرو خصوصي تلقي شده و مورد بررسي قرار مي گيرد. اين بررسي در دو بعد كه از هم متمايز و در عين حال وابسته به هم هستند، صورت مي پذيرد.

بعد اول خانه را به عنوان فضاي صميمي مي شناسد، فضايي كه به ساكنينش فرصت مي دهد دراجتماعي كه رسميت داشته و قانوني است اظهار وجود كنند. خانه مكاني است كه در آن هويت شكل مي گيرد و بسياري از خاطرات از آن ريشه مي گيرند. خانه د رواقع به مثابه نقطه ي مرجعي مي ماند كه فرد از طريق آن مرجع مي تواند موقعيت خود را درجهان بيايد. در اينجا سؤالي كه از جانب نويسنده مطرح مي شود اين است كه در چنين صورتي بيخانمان ها چگونه مسير و موقعيت خود را مي يابند و از كدام حقوق مي توانند بهره مند شوند؟

بعد دوم درون خانه را به عنوان عرصه اي فضايي واجتماعي در نظر گرفته كه در آن تغيير روابط متقابل شخصي و خصوصيات كالبدي خانه در طي دوران هاي مختف اشاره به پيچيدگي و بحث انگيز بودن موضوع حريم خصوصي دارد. در اين زمينه دگرگوني هايي كه در مفهوم خانواده و فضاي خصوصي خانه در طي قرون وسطي، دوران مدرن و دوران معاصر، بوجود آمده است مورد ارزيابي قرار گرفته اند. ” همراه با ظهور خود فردي شده در دنياي مدرن بعد از قرون وسطي، خانه از كانون زندگي اجتماعي به زمينه اي براي گسترش زندگي خصوصي فرد و خانواده به هسته اي تبديل شد” (ص۱۰۱). در ادمه ي فصل به ذكر انتقادهايي كه از جانب ماركسيست ها و فمينيست ها بر اين شيوه هاي ساخت و ساز مدرن وارد شده، پرداخته مي شود. آنان عقيده داشتند تمايز ميان عرصه ي خصوصي و عمومي امري طبيعي نيست بلكه ساخته و پرداخته ي جامعه است. در انتهاي فصل خانه و خانواده به عنوان نهادهايي معرفي مي شوند كه بين عمومي و خصوصي و بين غير شخصي و شخصي، وساطت مي كنند.

فصل ۴ به استفاده از فضاي بين شخصي براي معاشرت با ديگران اختصاص دارد، نویسنده در این فصل می گوید: قدم به عرصه ي عمومي با فضاهاي آشكار مي گذارد، روندي كه تا انتهاي كتاب ادامه مي يابد. در ابتداي اين بخش شناسايي ابعاد و لايه هاي مختلف فضاي عمومي، معاني اين واژه مورد بررسي قرار مي گيرند. لغت عمومي كه از واژه ي لاتين populous به معني «مردم» گرفته شده، معاني گسترده اي دارد كه از يك گروه كوچك آغاز شده و تا كل بشريت را در بر مي گيرد. به دليل ابهاماتي كه در تعريف اين واژه وجود دارد در اين كتاب عرصه ي عمومي آن طور كه درون جامعه عملا تجلي مي يابد، در نظر گرفته شده است. در اينجا عرصه ي روابط بين شخصي بجاي روابط غير شخصي كه بيشتر در رابطه با حكومت مطرح مي شود، مورد توجه است. بدين ترتيب چگونگي شكل گيري روابط اجتماعي در عرصه ي عمومي و بر پايه ي روابط رسمي از قرون وسطي بدين سو مورد ارزيابي قرار مي گيرد. ديويد هيوم و آدام اسميت اين جهت گيري را مثبت ارزيابي كرده و معتقد بودند با اين روند ” امكان اين فراهم شد كه از توده چهره هاي نا آشناي غريبه به صورت تماشاگران بي طرف درآيند تا جذبه ي عشق افراطي به خود و خود پرستي را قدري كنترل كنند” (ص۱۳۸). هابرماس معتقد است” كه پارادايم مراودات و تعاملات اجتماعي در چارچوب فعاليت هاي كوچك مقياس بازارشكل گرفته و اكنون توسط ارتباط هاي غير شخصي و پيچيده بويژه در فضاي الكترونيكي( اينترنت) جايگزين شده است. “به رغم اين انتقادات و با توجه به ظهور مراودات و تعاملات غير شخصي، برقراري ارتباط رودررو و شخصي همچنان به عنوان قويترين شكل ارتباطات پا بر جا مانده است(ص۱۴۱). در واقع آنگونه كه در اين فصل مطرح مي شود آداب و رسوم و عرف خاصي كه در قرون وسطي عاملي براي روابط بين شخصي در ميان غريبه ها به شمار مي رفت در واقع گوياي يك ظاهر اجتماعي و نقابي بود كه بين نيروهاي اجتماعي و بيولوژيك به منظور ايجاد زير ساخت اجتماعي براي تسهيل تعاملات به صورت واسطه عمل مي كرد. در اين زمينه نظريات اروينگ گافمن و ريچارد سنت در ارتباط با مدل نمايشگرايانه مورد بررسي قرار مي گيرند. ضعف هايي كه اين نظريات دارند از جمله؛ جداسازي دكارتي قلمرو عمومي از “خود”، تأكيد بر نقاب و بي توجهي به عاملي كه در پشت نقاب قرار گرفته، تأكيد اجتماعي غير تاريخي آن، دلگرم بودن به عرف و عدم توجه به مسائل هنجاري و تمايلش به روابط اجتماعي زيبايي شناسانه، هستند.

فضاي جمعي در محله عنوان فصل پنجم است در این فصل نویسنده می گوید: به الگوهاي مختلف براي محله هاي شهري و مفهوم طراحي و برنامه ريزي محله و نقش طراحي فضاي عمومي در برنامه ريزي محله، پرداخته مي شود. از جمله طرحهايي كه در جهت شكل دهي به محله به عنوان فضاي خصوصي صميمي وراي خانه، برنامه ريزي شده اند طرح دهكده هاي شهري هزاره در انگلستان و نوشهر گرايي در ايالات متحده، هستند. اين محيط هاي كوچك شهري و فضاهاي عمومي آنها نمايانگر و شكل دهنده ساختار اجتماعي و كالبدي منسجمي هستند كه توسط طرفداران شهرگرايي خرد ترويج و تبليغ شده اند. مثال هاي بسياري از مدل هاي آرمان شهري تا دهكده هاي صنعتي و از سكونتگاههاي مهجرين هنرمند تا حومه هاي سبز در طي دو قرن گذشته همگي حاكي از تلاش هايي براي ايجاد محله ي منسجم بوده اند. با اين وجود ” ممكن است گفته شود تأكيد مجددي كه بر محله مي شود در راستاي افزايش آگاهي نسبت به محيط انجام مي گيرد و در پي شكل هاي پايدار شهري است”(ص۱۷۰). از جمله دلايل ديگر مي توان اشاره به اين داشت كه تفكر تفكيك شهر به محله ها همچنين به عنوان وسيله اي براي مديريت شهري و ابزاري براي فعاليت بازار آزاد به شمار مي آيد كه در راستاي فعاليت هاي صنعت ساخت وساز نيز داراي كاربرد است. متمايز كردن محله ها سبب متمايز كردن افرار از يكديگر خواهد شد تا هم هويت بيايند و هم موقعيت اجتماعي براي خود بدست آورند، علاوه بر اين وسيله است هم براي سازنده ها تا كالاي خود را از ديگران متمايز كنند و هم براي شهر ها كه در رقابت بازار جهاني صاحب برتري شوند.

نویسنده در فصل ششم بر اهميت عرصه ي عمومي به عنوان مفهومي وسيعتر كه بر شكل گيري جامعه اي دموكراتيك تأثير مي گذارد، متمركز شده است. در اين بررسي نويسنده از ديدگاههاي برخي صاحبنظران همچون، هانا آرنت، يورگن هابرماس، چارلز تيلور و سيلا بن حبيب كه به عرصه ي عمومي پرداخته اند، بهره برده است. آرنت و هابرماس بر اين عقيده اتفاق نظر دارند كه عرصه ي عمومي، عرصه اي سياسي است. اگرچه آرنت فضاي كالبدي را در تحليل خود گنجانده بود اما هابرماس بيشتر بر رسانه هاي چاپي به عنوان نهادي براي برقراري مناظرات عمومي تأكيد داشت. آرنت و هابرماس هر دو نسبت به كيفيت عرصه ي عمومي در دولت شهر يونان باستان و دوران روشنفكري اروپاي غربي قرن ۱۸، احساس نوستالژيك دارند و هر دو درباره ي گسترش جامعه ي توده اي، ديدگاه مثبتي ندارند. آنچه هر دو ناديده مي گيرند اين است كه عرصه ي عمومي مورد علاقه ي آنها مبتني بر نخبه گرايي بوده و در صورتي مي تواند كار و رشد كند كه اكثريت جمعيت مردم بيرون نگه داشته شوند (ص۲۰۷).. مفهوم عرصه ي عمومي به عنوان وسيله اي براي دستيابي به اقدامات اشتراكي كه در تفكرات اجتماعي و سياسي مورد بحث قرار گرفته و فهميده مي شود نيز مورد توجه اين فصل است. اين فصل در ادامه به نقش فضا در شكل گيري عرصه ي عمومي و اينكه چگونه عرصه ي عمومي در سطوح غير شخصي و فرا فضايي عمل مي كند، پرداخته است.

فضاهاي غير شخصي شهر، عنوان فصل هفتم است. نویسنده در ابتدا به فضاي عمومي غير شخصي نظر انداخته و سپس تحول و انتقال فضاي عمومي شهري را از هسته ي يكپارچه ي قصبه ها و شهرهاي كوچك به حضور غير شخصي و پراكنده ي فعلي در كلانشهر ها، مورد بررسي قرار مي دهد. آگوراي يونان باستان شايد يكي از معروفترين فضاهاي عمومي در كل تاريخ باشد كه ميدان عمومي شهر و محلي براي گردهمايي مردم بوده است. ” آگورا مكاني بوده كه در آن فعاليت هاي اقتصادي، سياسي و فرهنگي دوشادوش ساير فعاليت ها صورت مي گرفته و به عنوان ظرفي فراگير براي زندگي اجتماعي شهر تلقي مي شده است” (ص۲۲۳). به تدريج و همراه با رشد اندازه ي فضاي شهري و تخصصي شدن آن اين يكپارچگي جاي خودرا به تنش ميان فضاي عمومي و خصوصي در شهر هي قرون وسطايي داد. شهر هاي قرون وسطايي در تقاطع مسيرهاي تجارت شكل گرفته و فضاي غير ديني را براي تبادلات تجاري فراهم كردند. فضا در آنها بر اساس منافع تجاري كه در رقابت با يكديگر بودند شكل مي گرفت. در بيان سير تحول فضاي عمومي شهر ها در ادامه ي اين فصل به شهر متوازن و متقارن در دوران رنسانس و باروك مي رسيم. ” فضاي عمومي در دوران رنسانس و باروك مانند ويتريني بود كه با دقت به صورت متقارن طراحي شده و فضاي خصوصي در پس رديف هاي ساده اما مرتبي از نماي ساختمان ها پنهان مي ماندند” (ص۲۲۹). شروع عصر وسايل نقليه ي موتوري در قرن بيستم بعد كاربردي فضا غلبه پيدا كرد و بعد نمايشي آن از رونق افتاد. خيابان و محل عبود پياده بايد حذف مي شد و مكانهاي گردهمايي نيز درون ساختمانهاي عظيم قرار مي گرفت. دوران مدرن در پي اين بود تا فضاي عمومي را به شكل پارك در بين ساختمان هاي بلند مرتبه قرار دهد ” البته اين نوع فضا به خوبي تعريف نشده و بي استفاده باقي مي ماند و نوعي فضاي گمشده است، يعني جايي كه هيچ يك از عملكردهاي فضايي عمومي قابل دسترس نيست” (ص۲۳۱).